

شنبه
چهار
قرارمان
چهار
ساعت

فرید حسینی (مشیری)



بهار ۱۳۹۳

شنبه
چهار
چهار
ساعت

نشر شادان



گروه فرهنگی انتشاراتی

دفتر مرکزی:

تهران، کوی نصر (گیشا)، خیابان جوادفاضل جنوبی،

شماره ۱۰۲. تلفن: ۸۸۲۴۱۰۲۰ - ۸۸۲۶۷۲۹۸

فروشگاه (آینده):

تهران، کوی نصر، بین خیابان یازدهم و سیزدهم،

شماره ۲۰۲. تلفن: ۸۸۲۶۹۶۶۰ - ۸۸۲۷۴۶۷۷

www.shadan-pub.com

shadan@shadan-pub.com

نویسنده: فرید نجفی

نمونه خوان: روز مسیحا

تویت چاپ: اول

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۹۱۹-۹۷۰۰

کتابخانه ملی: ۳۳۴۶۲۷۰

تیراژ: ۲۵۰۰ جلد

قیمت: ۱۵۰۰۰۰ ریال

نجفی، فریده

قرارمان چهارشنبه ساعت چهار - نویسنده: فریده نجفی

تهران: شادان / ۱۳۹۲ - ۳۵۰ صفحه

(رمان ۱۱۶۹)

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۹۱۹-۹۷۰۰

ISBN: 978-964-2919-97-0

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیپا.

۱- داستانهای فارسی - قرن ۱۴، الف - عنوان

۸۵۳/۶۲

PIR ۸۲۴۳ / ج ۷۴۳

۱۳۹۲

کتابخانه ملی ایران

۳۳۴۶۲۷۰

یادآوری: حقوق این اثر متعلق
به انتشارات شادان می باشد و هرگونه
استفاده از آن بلا مجاز است.



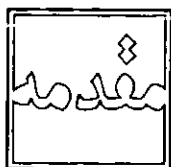
غیرمجاز برای

دانلود رایگان

استفاده از کتابهای شادان برای قرار
دادن در سایت های مختلف به هر شکل
غیرمجاز و به دور از اصول اخلاقی است.

حسِ هفتم...

یکی می‌گفت برای در امان ماندن از خطرات زندگی امروزین، دیگر پنج حواس کم است و حتی حس ششم نیز کارایی خود را از دست داده! ما نیازمند هفتمین بزرگی یا توانایی هستیم که بر پایه حواسِ آدمی نباشد و فقط هوشیاری ما را افزون کند!



حتی به شوخی‌اش فکر می‌کنیم می‌بینیم خیلی پُر بیراهه هم نگذاشته است و هرچه زندگی ما از فناوری‌های روز، بیشتر و بیشتر تأثیر می‌گیرد - که حتی گاهی نمی‌توان بدون آنها زندگی کرد - بنابراین در کنار تمام این آسایش‌های حاصل از مِشَم بشر، غافلگیری‌های هر روزه ما نیز بیشتر می‌شود. کدام یک از ما که سر در روزنامه و دیگر وسایل ارتباط جمعی داریم از ترفندهای جدید برای جذب مدام خواننده و شنیده‌ایم؟ کدام یک از ما دهانش باراننده از شنیدن برنامه‌هایی عجیب که برای فریب دیدگران چه‌اند؟ فریبی که گاه مالی است و قابل جبران و گاهی بدین راه برگشت!

خلاصه کنم: دنیای مدرن با خود آسایشی دارد مطلوب و بس جذاب، اما در کنارش خطراتی دارد بسیار پیچیده‌تر و مدرن‌تر از قبل! امروز حتی تأثیر خانواده بر فرزند بسیار کم‌رنگ‌تر از قبل شده و خواسته و ناخواسته، دنیای ارتباطات شرايطی را فراهم ساخته که قسمتی عمده از شخصیت افراد حتی در پشت مانیتورهای کوچک و بزرگ ساخته می‌شود.

دیگر محدود کردنِ کودک و نوجوان در چهار دیواری

خانه معنا ندارد. می‌شود در اتاق نشست و با بده‌بستان‌های اطلاعاتی، اصلاً در خانه نبود. می‌شود دل را خوش کرد به این‌که فرزندم فقط به مدرسه می‌رود و بعد هم در اتاقش نشسته و کار مدرسه‌اش را می‌کند، و بعدها فهمید که او اصلاً در این حال و هوایی که دیگران می‌پنداشتند نبوده است. می‌توان چشم‌ها را بست و نفهمید که جوانِ چشم و گوش بسته در شرایط امروز یک شوخی تلخ است.

بسیار این حرف‌ها را همگی می‌دانیم ولی چه می‌توان کرد؟ آیا کسی هست که نسخه‌ای برای رهایی از مشکلات ناشی از دنیای فناوری داشته باشد؟ به قولِ آن دوست ابتدای این نوشته، آن حسِ هفتم برای حفاظت ما از خطراتِ مدرن چه بود؟

این جملات را گفتم تا برسیم به کتاب حاضر: قرارمان چهارشنبه ساعت چهار! نویسندگانِ سیاری از ما، که دغدغه‌ای داریم و به دنبال راهکاری هستیم، با قصه‌ها آمدند و همین دیروز و امروزهای ما، شخصیت‌هایی را آفریده که برای خواننده، بهر سلیقه‌ای، باورپذیر است. اصلاً شاید خود ما دیده باشیم یا یکی از آنها باشد. او هنرمندی قصه‌ای جذاب را روایت کرده و در خلال آن، بدون دادنِ دستورالعمل، به پیچی برای خواننده، مخاطبش را به فکر وادار کرده است. زبان داستانِ روزی است: ساده و صمیمی. قصه‌اش نیز قصهٔ امروز است، از دلِ همین جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنیم. بنابراین دعوت می‌کنم از تمام خوانندگانِ جوان، بدون در نظر گرفتن ردهٔ سنی — تا کتاب را بخوانند و ضمنِ حسنی و بدنی از برقراری ارتباط با قهرمانِ داستان، در آنچه می‌تواند دغدغهٔ آشکار و پنهانیِ بسیاری از ما باشد تأمل کنند. به راستی اگر آن هفتمین حس وجود داشته باشد که دارد — همانا آگاهی و هوشیاری است. دنیای امروز مثل همیشه زیباست اما نیازمند شناخت و دانستنِ بیشتر است.

حسِ هفتمِ من پُربار!

بهمن رحیمی

فروردین ماه ۱۳۹۳ - تهران

لینا